Abstract

[redacted]

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۵(۴)، ۵۹-۳۵، پیاپی ۶۰، پاییز ۱۴۰۲

هژبر لاکه، سکینه؛ جلیلی‌کهنه‌شهری، خسرو؛ و نظری چروده، احمدرضا (۱۴۰۲). انعکاس خشم، خشونت و مرگ، نتیجه غلبه کهن‌الگوی سایه در شعر پست‌مدرن فارسی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۵(۴)، ۵۹-۳۵. doi: 10.22035/isih.2023.4923.4802

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ https://doi.org/10.22035/isih.2023.4923.4802 URL: http://www.isih.ir/article_444.html

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC_BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

مقاله پژوهشی

انعکاس خشم، خشونت و مرگ، نتیجه غلبه کهن‌الگوی سایه در شعر پست‌مدرن فارسی

سکینه هژبر لاکه[۱]، خسرو جلیلی کهنه شهری*[۲]، احمدرضا نظری چروده[۳]

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۵

چکیده

شعر پست‌مدرن را به‌واسطهٔ ویژگی بی‌پرده‌گویی و ساختارشکنی موضوعات کلامی، می‌توان مرجعی مناسب برای مطالعات کهن‌الگویی در نظر گرفت. مقالهٔ حاضر با توجه به کثرت بسامد واژه‌ها، ترکیبات، و عباراتی پیرامون خشم، خشونت و مرگ در شعر پست‌مدرن فارسی، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که دلیل تمایل اغراق‌آمیز شاعران پست‌مدرن به بیان خشم و خشونت در شعر چیست؟ در این راستا، تصاویر «خشم و خشونت اجتماعی»، «خشم و خشونت فردی» و «تصاویر مرتبط با مرگ» در آثار تعدادی از شاعران پست‌مدرن، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با در نظر گرفتن رویکرد میان‌رشته‌ای، بین ادبیات و دو حوزهٔ نقد اجتماعی و نقد روان‌شناختی مورد بررسی قرار داده شده است. نتیجه نشان داد، کثرت بازتاب «خشونت نسبت به زنان»، «فساد اخلاقی»، «جنگ» و ناهنجاری‌هایی از قبیل «مصرف مواد مخدر» در بخش خشونت‌های اجتماعی، «خودکشی» و «مازوخیسم» در بخش خشونت‌های فردی، بیشتر برخاسته از اندیشهٔ فراگیر «مرگ‌اندیشی» است. «مرگ‌اندیشی» که یکی از نشانه‌های غلبهٔ کهن‌الگوی سایه در ناخودآگاه بشر است، در شعر پست‌مدرن، به یک اندیشهٔ جاری و به‌تبع آن به یکی از ویژگی‌های اصلی این جریان شعری تبدیل شده است. شاعران پست‌مدرن سعی نموده‌اند برای نشان دادن تاریکی و خشم درونی نهفته در اجتماع، از تصاویر منزجرکننده و وحشت‌زا، که مرتبط با «مرگ» است، بهره ببرند و روند شعر خود را به سوی تاریکی و وحشت پیش ببرند؛ تاجایی‌که می‌توان ادعا کرد، از میان شاعران معاصر، آن‌هایی که در ناخودآگاه خویش، مغلوب کهن‌الگوی سایه بودند، به شعر پست‌مدرن روی آورده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شعر پست‌مدرن، نقد کهن‌الگویی، کهن‌الگوی سایه، خشم و خشونت، مرگ

---

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
lake19969@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
* نویسندهٔ مسئول
Kh.Jalili@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
a.nazari@iau.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

اصطلاح پست‌مدرن[1] در غرب با تمام ابهاماتی کـه داشـت، ابتـدا در رشـته‌هایی ماننـد معمـاری، فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مطرح شد و پس از آن در عالم هنر، به‌ویژه ادبیات داستانی و شعر نیز مورد توجه قرار گرفت. جنبش پست‌مدرنیسـم محصـول ناکارآمـدی دوران مدرنیتـه بـود. جریان شعری «پست‌مدرن» که در ایران از دهۀ هفتـاد هجـری و بـا داغ شـدن مباحـث فلسـفی و سیاسی جدید، توسط رضا براهنی و با سرودن یک مجموعۀ شعری به نام «خطاب به پروانـه‌ها» در ایران مطرح شده است، بـیش از آنکـه در طـول و ادامـۀ تحـولات ادبـی داخلـی باشـد، از طریـق الگـوبرداری از اشـعار و نظریـه‌های ادبـی غربـی بـه‌وجود آمـده اسـت. از شـاعران مطـرح شـعر پست‌مدرن در ایران می‌توان از: رضا براهنی، علی باباچاهی، نـازنین نظـام شـهیدی، رزا جمـالی، علی عبدالرضایی، شمس آقاجانی، پگاه احمدی، شیوا ارسطویی، عباس حبیبی بدرآبادی، محمد آزرم، روزبه حسینی و... نام برد.

نقـد کهن‌الگـویی[2] کـه بـر پایـۀ پژوهش‌هـای کـارل گوسـتاو یونـگ[3] (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱م)، روان‌شناس سوئیسی، بنیان نهـاده شـده، رویکـردی میان‌رشـته‌ای اسـت کـه به‌واسـطۀ آن می‌تـوان لایه‌های زیرین اندیشه و شخصیت هنرمندان را در حوزۀ ادبیات مورد تحلیـل قـرار داد. یونـگ بـه خاطر فعالیت‌هایش در روان‌شناسی و ارائۀ نظریاتش تحت عنوان «روان‌شناسـی تحلیلـی یونـگ» معروف است. نظریۀ سوم یونگ در مورد کهن‌الگوها است. یونگ به هـر یـک از لایـه‌های درونـی انسان، نامی اختصاص داده و به بررسی و تحلیل هر لایه پراخته است و نقش هر لایه را در زنـدگی فردی و اجتماعی فرد مشخص نموده است. از انواع کهن‌الگوها می‌توان به آنیما[4] (عنصر زنانـه در وجود مرد)، آنیموس[5] (عنصر مردانه در درون زن)، سایه[6]، نقاب[7]، پیر خردمند[8] و ... اشاره کرد. با توجه به اینکه شاعران نیز از تأثیر کهن‌الگوها در روح و روان خود هستند، بنابراین، خواه‌ناخواه این کهن‌الگوها در زندگی و در آثار آنان نیز منعکس می‌شود و همین امر است که پیوندی بین ادبیـات،

1. Postmodern
2. archetypal criticism
3. Carl Gustav Jung
4. Anima
5. Animus
6. Shadow
7. Persona
8. The wise Old man

شعر و روان‌شناسی ایجاد می‌کند. کهن‌الگوی سایه، با توجه بـه مـاهیتی کـه بـه‌عنوان تاریـک‌ترین بخش وجودی ضمیر ناخودآگاه دارد، اغلب سرکوب شده و دست‌نیافتنی است. ایـن کهن‌الگـو در قالب کنش‌های هیجانی چون رفتارهای ناهنجار، خشونت‌آمیز و یا انزواطلبی و مرگ‌اندیشی، نمود بیرونی می‌یابد. در شعر پست‌مدرن، به‌واسطهٔ سبک و نگاهی کـه شـاعران ایـن جریـان بـه جهـان پیرامون خود دارند، نمودهای بارزی از سلطه‌گری سایه بر ضمیر ناخودآگاه فـرد (شـاعر) را شـاهد هستیم. بخشی از نمودهای سایه در روایت داستانی به‌صورت اشـاراتی از احساسـات ناخوشـایند چون ترس، ناامیدی، یأس، سرخوردگی، ضعف درونی و گاه به‌صورت کنش‌هایی چـون خشـونت بیرونی، اعتراض و تحمل خشونت بروز می‌کند. با توجه به این دیـدگاه در ایـن مقالـه سـعی شـده اسـت تـا شـعر پسـت‌مدرن، از منظـر نقـد کهن‌الگـویی درخصـوص شـناخت تصـویرهایی از کهن‌الگوی سایه و تأثیری که در بازتاب خشم و خشونت در جریـان شـعری دارد بررسـی شـود تـا پاسخی برای این سؤالات یافت شود که شعر پست‌مدرن تا چه میزان تحت تأثیر کهن‌الگوی سـایه است؛ شاعران پست‌مدرن بیشتر در چه حوزه‌هایی از تصاویر خشم، خشونت و مرگ در شعر خود بهره‌می‌برند و دلیل تمایل اغراق‌آمیز شاعران پست‌مدرن به بیان خشم و خشونت در شعر چیسـت؟ و کدام ویژگی را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی سبک شعر پست‌مدرن معاصر فارسی می‌تـوان معرفی کرد؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

پژوهش‌های مختلفی را که در ارتباط با موضوع مقالهٔ حاضر با هـدف اسـتخراج مفـاهیم و تم‌های محتوایی از آثار ادبي صورت گرفته‌اند، به‌طور عمده مي‌توان به دو مبحـث اساسـی «کهن‌الگوها » و «شعر پست‌مدرن» تقسیم کرد؛ با توجه به این تقسیم‌بندی، در ادامـه، بـه مواردی که به کهن‌الگوها پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

سوسن غایب‌زاده (۱۳۹۵) در پایان‌نامهٔ خود با عنـوان «بررسـی کهن‌الگوهـا (پرسـونا، آنیما و آنیموس، مادر مثالی، خود و سایه) در شعر محمود درویش»؛ کهن‌الگوهـای مـورد نظر را با توجه به ساختار شعر و بسامد استفاده از آن‌ها مورد تحلیل قرار داده است

سیمین محمودی (۱۳۹۷) در پایان‌نامهٔ خود بـا عنـوان «بررسـی تطبیقـی کارکردهـای کهن‌الگو در سروده‌های فروغ فرخزاد و بوف کور صادق هدایت بر مبنای نظریهٔ یونگ» بـه

این نتیجه رسیده است که سایه، آنیما، نقاب در بوف‌کور صادق هدایت و نقاب، آنیموس و سایه در اشعار فروغ به‌ترتیب از مهم‌ترین کهن‌الگوها هستند.

پروین‌پناهی‌راد (۱۳۹۶) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «بررسی کهن‌الگوها در شعر امیر معزی» سعی کرده است تا ضمن آوردن تعاریفی دقیق و جامع از کهن‌الگوها و نمادهای کهن‌الگویی، مهم‌ترین آن‌ها از میان اشعار امیر معزی طبقه‌بندی و نقد کند.

سیدعلی لواسانی (۱۳۹۶) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «شرح و تحلیل نمادها و کهن‌الگوها در غزلیات حسین منزوی» نشان داده که این شاعر از چشم‌انداز عاشقانه-اشراقی و سیاسی-اجتماعی خود نمودی نو از نمادهای کهن‌الگوها ارائه کرده است.

حسنیه شیخ (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «نقد کهن‌الگویی و کاربرد آن در تحلیل اشعار سهراب سپهری» هشت‌کتاب سهراب سپهری را بر مبنای نقد کهن‌الگویی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

درخصوص شعر پست‌مدرن نیز مطالعات مختلفی صورت گرفته که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود:

زهرا عامری (۱۳۹۱) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «بررسی شعر پست‌مدرن فارسی در دهه‌های هفتاد و هشتاد؛ مؤلفه‌ها و نمایندگان» جریان شعری پست‌مدرن در دهه‌های هفتاد و هشتاد بر پایهٔ شاعران مطرح و پیشروی آن در چهار سطح زبان، آرایه‌های بدیع و صورخیال، موسیقی و محتوا را مورد بررسی قرار داده است. همچنین شاعران پست‌مدرن به دو گروه افراطی و میانه‌رو تقسیم شده‌اند و ویژگی‌های غالب این جریان در چهار سطحِ ارائه شده است.

در پایان‌نامهٔ سمیه محمدی‌نسب (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی و تبیین مولفه‌های شعر پست‌مدرنیستی در اشعار رضا براهنی، علی باباچاهی و یدالله رؤیایی» حذف عناصر و ارکان جمله و بی‌معنایی یا چندمعنایی، پریشان‌گویی و اختلال در زبان، تأثیرپذیری از فرمالسیت‌ها و همچنین دادائیست‌ها استفاده از تناقضات و پارادوکس‌ها، استفاده از واژه‌های غیرشاعرانه و تصاویر سوررئالیستی، آشنایی‌زدایی در فرم نوشتار و تعهدگریزی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر پست‌مدرن محسوب می‌شوند.

آرمان معراجی (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «بررسی عناصر پست‌مدرنیستی در قالب‌های کلاسیک شعر معاصر» شعرهای پست‌مدرنیستی، که در قالب‌های کلاسیک شعر فارسی سروده شده‌اند، را بررسی شده‌اند.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود هیچکدام از مطالعات نام برده شده انعکاس خشم، خشونت و مرگ را، که نتیجهٔ غلبهٔ کهن‌الگوی سایه در شعر پست‌مدرن فارسی است، به‌طور مستقل مورد توجه و بررسی قرار نداده‌اند.

۳. مبانی نظری

پس از کم‌رنگ شدن قدرت مدرنیسم، رویکردی پدید آمد که بنیان آن بر ایجاد تغییرات تازه‌تر و ساختارشکنانه‌تر از پیش بود. آغاز پست‌مدرنیسم با دگرگونی‌های عظیم تکنولوژیکی و ارتباطات در سراسر جهان مصادف است. تغییرات در بینش‌های سیاسی، پدید آمدن جنبش‌های مختلف اجتماعی و نظایر آن همگی رویدادهای منتهی شده به جریان فکری پست‌مدرنیسم محسوب می‌شوند. این جریان در اصل یک روند فراگیر در تمامی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. «پست» در واژهٔ پست‌مدرنیسم را تعبیر به «جدید» و «تازه» کرده‌اند که در واقع تأکیدی بر «مدرنیسم» است: «در دنیایی که ارزش‌ها ارتقا می‌یابند، «پست‌مدرن» در واقع یعنی «جدید»، «با امکانات بیشتر»» (پاینده، ۱۳۸۳، ۱۱۴). اگر «مدرن» را به‌معنای «اکنون» و «حال» معنا کنیم، «پست‌مدرن» به معنای «پس از اکنون» و «فراتر از اکنون» معنا می‌شود و دشواری درک پست‌مدرن نیز در همین نکته است. پست‌مدرن یعنی ایجاد قدرت ادراک و پذیرش آن چیزی که فراتر از اکنون وجود دارد (قره‌باغی، ۱۳۸۰، ۲۹). واژهٔ post (پست) به معنی «پسا» و «پس از» نقش تأکیدی برای «مدرنیسم» دارد: «در دنیایی که ارزش‌ها ارتقا می‌یابند. «پست‌مدرن» در واقع یعنی جدید! با امکانات بیشتر!» (پاینده، ۱۳۸۳، ۱۱۴). نگاه پست‌مدرنیسم به مفاهیمی چون عقل، خرد، حقیقت، پیشرفت و نظایر آن همراه با شک و بدبینی است و همین بینش، اصول اصلی این جریان را نیز شکل داده است. از دیدگاه ایگلتن[1] (۱۳۹۱، ۱۸) پست‌مدرن دارای این ویژگی‌های شاخص است: «جهان را تصادفی، بی‌بنیاد، گوناگون، ناپایدار، نامعلوم و

1. Eagleton